



## حکایت

### خوش اخلاقی

در زمان های کهن، مردی بود که اخلاق خوبی نداشت و برای هر چیز کوچکی خشمگین می شد و فریاد می زد و همه از او دوری می کردند، ولی بعد پشیمان می شد و دلش می خواست خوش اخلاق باشد، اما نمی دانست چه کار کند.

یکی از دوستانش که پزشک بود، به او گفت: «من دارویی می دهم که این رفتار ناپسند و اخلاق بد شما را درمان کند.»

روز بعد پزشک کوزه ای پر از آب برای او فرستاد و نوشت: «هر وقت خشمگین شدی، از این دارو، کمی بنوش.»

آن مرد مدتی این دستور را اجرا کرد و دید دیگر مانند گذشته، خشمگین نمی شود و اخلاقش بهتر شده است.

روزی نزد دوستش رفت و گفت: «آن دارویی که به من دادی خیلی خوب بود و به زودی تمام می شود، باز کمی از آن به من بده.»

پزشک خندید و گفت: «در آن کوزه، چیزی جز آب نبود و اگر فکر می کنی

اخلاق و رفتار شما خوب شده، برای آن است که هر وقت خشمگین می شدی،

برای نوشیدن آب، کمی وقت لازم بود. همان صبر و آرامش اندک، خشم شما را از بین برد

و اکنون خندان و خوش اخلاق شده ای.»

\*\*\*

\* به نظر شما چه چیزی باعث

خوش اخلاقی آن مرد شده است؟

صبر و آرامش

